خراسان روزنامه صبح ایران
یک‌شنبه ۲۹ مرداد ۱۳۹۶ . ۲۷ ذی‌القعده ۱۴۳۸ . شماره ۱۹۶۱۳ و

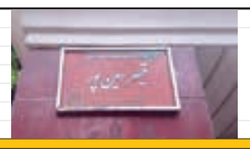

«کاشی ماندگار» بر سر در خانه قیصر امین‌پور نصب شد

چهاردهمین «کاشی ماندگار» بر سر در خانه قیصر امین‌پور، شاعر فقید، در تهران نصب شد. به گزارش ایسنا، در مراسم نصب چهاردهمین «کاشی ماندگار» بر سر در خانه قیصر امین‌پور، پوریا سوری، رئیس مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، گفت: «این کاشی در حقیقت یک پلاک است که نشان‌دهنده محل سکونت قیصر امین‌پور است و در واقع، هویت‌بخشی فرهنگی جدید به محل‌های سکونت این مفاخر است.»

ناگهانِ شعر

شعر امروز تاجیکستان

اسفندیار نظر

خورشید همانا گل لبخند تو باشد
آرامش من از دل خرسند تو باشد
پروانه آزادی دل را مکن امضا
بگذار اسیر تو و در بند تو باشد
سیبی که از آن آدم و حوّا گنه آموخت
یک نَوده ز گلخانه و پیوند تو باشد
من حرف سمرقند و بخارا چه بگویم؟
وقتی همه این قصّه لب قند تو باشد
با هر غزلی می‌زندم عشق تو آتش،
در خطّ اوستای دل این زند تو باشد

فردوس اعظم

قسم به حال و هوای همیشه بارانی
که با تبسمت آیینه بهارانی!
میان این همه زن هیچ کس شبیه تو نیست
به ماه، آینه، خورشید، چشمه... می‌مانی!
منی که این همه از بغض و آه می گفتم
تو آمدی که مرا با غزل بخندانی
و عشق حادثه روزگار من شده است
دوباره در دل من سبز شد به آسانی
چقدر دلخوشم از این که دوستت دارم
تمام دلخوشی من تویی و می دانی
از این که با منی از سرنوشت ممنونم
چه غم کنار تو از روزهای توفانی!
اگر خطا نکنم رودکی است استادت
که حرف می‌زنی با لهجه خراسانی
در این دقایق شب رو به روی پنجره‌ام
نشسته زل زده‌ام در زلال چشمانی...
که مثل هر شب دیگر هنوز می گویند:
تمام می شود این انتظار طولانی!
دوباره فرصت دیدار می رسد «فردوس»
چه لحظه‌ای است رسیدن به ماه پیشانی!

اسکندر ختلانی

در خون من غرور نیاکان نهفته است
خشم و ستیز رستم دستان نهفته است
در تنگنای سینه حسرت کشیده‌ام
گهواره بصیرت مردان نهفته است
خاک مرا جزیره خشکی گمان مبر
دریای بی کران و خروشان نهفته است
خالی دل مرا تو ز تاب و توان مدان
شیرژیان میان نیستان نهفته است
پنداشتی که ریشه پیوند من گسست
در سینه‌ام هزار خراسان نهفته است

گلناز طاهریان

فقط برای تو باز آمدم ز تنهایی
فقط برای تو تا ماورای میترایی
بگو، چقدر به آن چشم آسمان داری
که گه ستاره دمد، گاه ماه طلایی
بهار چیست؟ همان آفتاب ساده ما
ز خود برون شدن و ذوق دشت پیمایی
به جز درون دل تو کجا پنه جویم،
به جست و جوی من آمد هزار زیبایی
سما چو انجمن نورهای رنگین شد
به دستگاه جهان است رشتارایی
شرار ریخت ز پرویزن مه و امشب،
به پیش پنجره روییده‌ام ز رهپایی
به دل شراب بگیر و به نزدم آ، ای دوست
بگو که مست منی، بی شراب می آیی
بیا، ز پیر هه قصّه‌ها گذر سازیم
در آن حماسه تکرارهای تنهایی

ملک نعمت نعمت زاد

باران به روی بستر من گریه می کند
یادت نشسته در سر من گریه می کند
همدرد گشته با من تنها ببین که شمع
بنشسته در برابر من گریه می کند
تنها نه چشم حسرت روی تو می خورد
"امشب تمام پیکر من گریه می کند"
از غصه‌های خورده شدم دل سیاه و سرد
ابرم که پای تا سر من گریه می کند
باران که هیچ گریه خود بس نمی کند
بی سابقه برابر من گریه می کند
از اشک در زمین ورق شوره می دمد
هر سطر روی دفتر من گریه می کند

تبلیغ یک وسیله بازاریابی است برای کمک به خلق، وفادارسازی وحفظ شناسه برند

گزارشی از جریان رباعی زنانه از دهه پنجاه تا امروز - قسمت نخست

رباعی، تاریخی مردانه دارد

سید علی میرافضلی

تاریخ رباعی فارسی تاریخ مردانه‌ای است؛ هم به لحاظ نسبت جمعیتی زنان و مردان رباعی‌سرای و هم به دلیل حس، فضا و زبان و موضوع رباعیات. شاید بتوان یکی از علل اندک بودن تعداد رباعی‌سرایان زن را آن دانست که روح مردسالارانه حاکم بر ادبیات قدیم ما، در ثبت و ضبط اشعار این گروه از شاعران تعلل و کوتاهی کرده و بسیاری از نام‌ها را نادیده گرفته است. اما شواهدی که از رباعیات زنان شاعر در متونی مثل نزهة المجالس باقی مانده، تا حدودی ما را در درستی این فرضیه به تردید می‌افکند. چگونه است که شعر و نام تعدادی از زنان رباعی‌گوی در این کتاب‌ها هست و نام و شعر مابقی از قلم افتاده است. البته، کوتاهی تاریخ ادبیات ما در شنیدن صدای بانوان شاعر را نمی‌توان به طور کامل نادیده گرفت، اما آنچه اهمیت بیشتری دارد آن است که در بافت و فضای اجتماعی جامعه ایران، زنان مجال بسیار اندکی برای پرورش استعدادها و بالا بردن توانایی‌های ذهنی و روحی خود داشته‌اند و همین امر، حضور و ظهور آن‌ها را در جامعه ادبی، با مشکلات زیادی مواجه می‌کرده است. با این حال، آنان که خود را از این محدودیت‌ها رهایی بخشیده‌اند، توانسته‌اند تا حدودی نماینده شایسته‌ای برای زنان رباعی‌گوی باشند. مهستی گنجوی، شاخص‌ترین زن رباعی‌سرای در کل تاریخ ادبی ماست. متأسفانه هاله‌ای از افسانه، زندگی و شعر او را فراگرفته و به طور قطع و یقین نمی‌دانیم که در چه دوره‌ای می‌زیسته و کدام‌یک از رباعیاتی که به او نسبت می‌دهند، از خود اوست. بخشی از این ابهام، مربوط به نبود منابع معتبر و بهتر است بگوییم، ضعف مستندنگاری ما ایرانیان است. این کاستی، در زمینه رباعیات منسوب به چهره‌های شناخته شده‌ای مثل خواجه عبدا... انصاری و ابوسعید ابوالخیر و عمر خیام نیشابوری و بابا افضل کاشانی هم است.

مهستی گنجوی، با همه جسارت‌ها و نوآوری‌هایی که در رباعی فارسی از خود به‌جا گذاشت، نتوانست ذهنش را از آن فضای مردانه رها کند. عاشقانه‌های او در اغلب موارد فاقد هویت زنانه است و رباعیات شهرآشوب او، بیشتر وامدار «سنت ادبی شهرآشوب» در سده ششم هجری در آثار شاعرانی همچون مسعود سعد سلمان و سنایی غزنوی است؛ تا برخورد بی‌واسطه با پیشه‌وران. در همین رباعیات، ما به ندرت از زاویه نگاه یک زن، مشاغل و اصناف را می‌بینیم. البته، این تشخّص که گفتم چیزی نبود که برای اُدبای پیشین ما قابل درک و ملموس باشد و آن‌ها هم در استناد چنین رباعیاتی به مهستی گنجوی، مشکلی نمی‌دیدند و به هیچ وجه در بند تناسب میان موضوع و زاویه دید و جنسیت شاعر نبودند.

در دوران جدید که حضور زنان در جامعه، تحول چشمگیری یافت و نگاه جامعه نیز به این موضوع دستخوش تحول زیادی شد، فعالیت ادبی بانوان نیز از لحاظ کمّی و کیفی، رشد شگرفی پیدا کرد. تا آنجا که به نظر می‌رسد شمار فعالان هنری و ادبی زن در سال‌های اخیر در بعضی حوزه‌ها از مردان نیز پیشی گرفته است. در حوزه شعر و موضوع بررسی ما که رباعی در ۴۰ سال گذشته است، تعداد زنان رباعی‌گو و شمار آثار آن‌ها، در قیاس با تاریخ ۸۰۰ ساله رباعی زنان، بسیار آبرومند و چشمگیر است.

در این بررسی اجمالی، علاوه بر معرفی مهم‌ترین زنان رباعی‌گوی در چهل سال اخیر (از اواسط دهه ۵۰ به این سو)، به مهم‌ترین موضوعاتی که در رباعیات آن‌ها نمود یافته است، می‌پردازیم. البته، این بررسی ادعای یک جست و جوی تام و تمام را ندارد، اما می‌توان گفت در خلال این مقاله، اصلی‌ترین درون‌مایه‌های شعری و شاخص‌ترین شاعران مورد توجه قرار گرفته‌اند.

حیات دوباره رباعی، از اواسط دهه ۵۰ با انتشار مجموعه رباعیات کوچک، اما اثرگذار مرغ سحر سروده منصور اوجی (تهران، ۱۳۵۷) آغاز شد و در دهه ۶۰ با رباعیات سید حسن حسینی و قیصر امین‌پور به اوج خود رسید. این موج، با پایان یافتن جنگ ایران و عراق، به تدریج فروکش کرد. موج دوم رباعی امروز، در اواخر دهه ۷۰ آغاز شد و بیژن ارژن و ایرج زبردست در ایجاد آن نقش عمده‌ای داشتند. در اوایل دهه ۸۰، جلیل صفربیگی نیز به جمع این شاعران اضافه شد و مثلث رباعی امروز را تشکیل دادند. موج سوم رباعی، در اواخر دهه ۸۰ شکل گرفت و تا امروز نیز ادامه دارد. نسل جدید شاعران رباعی‌گوی، از قبیل میلاد عرفان‌پور، طیبه بقایی، اصغر عظیمی مهر، عباس صادقی زرینی، احسان افشاری و دیگران، به همراه شاعران موج دوم، جریان رباعی امروز را زنده نگه داشته‌اند.

در دهه ۵۰، یک رباعی از شاعری گمنام، محافل و نشریات ادبی را به سرعت در نوردید و شهرت ملی پیدا کرد:

هر کس به طریقی دل ما می‌شکند
بیگانه جدا، دوست جدا می‌شکند
بیگانه اگر می‌شکند، حرفی نیست
از دوست بپرسید چرا می‌شکند؟

گوینده این شعر، خانم ناهید یوسفی (۱۳۲۸ ش) است که حدود سه دهه بعد از این رباعی، مجموعه شعرش را منتشر کرد و مصراعی از این رباعی را به عنوان نام آن برگزید: هر کس به طریقی دل ما می‌شکند (تهران، ۱۳۷۸). این رباعی، شاخص‌ترین شعر اوست و دیگر رباعیاتش نتوانست آن موفقیت را تکرار کند.

عشرت قهرمان متخلص به نکیسا (۱۳۰۵-۱۳۸۴ ش)، از اولین زنانی بود که در اواخر دهه ۶۰ به رباعی‌سرایی روی آورد و تا اوایل دهه ۷۰، چندین مجموعه رباعی از او به چاپ رسید. وی خواهر محمد قهرمان، شاعر و ادیب پُرآوازه خراسانی بود و شعر گفتن را در ۵۰ سالگی آغاز کرد و اولین آثارش را در قالب شعر نو عرضه کرد. با این پیشینه، رباعیات او بهره کمی از نوآوری شعر امروز دارد و به دلیل این که همه کتاب‌های او در مشهد منتشر شده است، نتوانست تأثیر مهمی بر زنان رباعی‌سرای ما بر جای بگذارد. پرواز (مشهد، ۱۳۶۷)، اقیانوس (مشهد، ۱۳۶۸) و نور (مشهد، ۱۳۷۰) از جمله کتاب‌های شعر عشرت قهرمان است.

پوران فرخزاد (۱۳۱۲-۱۳۹۵ ش)، خواهر فروغ فرخزاد، با مجموعه رباعی چنگ مشوّش (تهران، ۱۳۷۳) به جریان رباعی امروز پیوست. در این مجموعه، ۱۵۰ رباعی گرد آمده و شاعر تلاش زیادی از خود برای نوآوری نشان داده و قدرت عاطفی شعرش نیز در خور توجه است؛ ولی به دلیل نداشتن بضاعت بالای ادبی در قالب‌های قدیم، حاصل کارش چندان یکدست و بی فراز و فرود نیست.

سه سال بعد، شکوه سپهزاد (۱۳۲۸ ش)، با مجموعه رباعی تکرار شدم در آیه‌های گل سرخ (تهران، ۱۳۷۶)، مورد توجه و تحسین تعدادی از منتقدان قرار گرفت و م. آزاد، علی شریعت کاشانی و کامیار عابدی، نقدهای ستایش‌آمیزی بر کتاب او نوشتند. این نقدها، به علت بی خبری نویسندگان از جریان رباعی در دهه ۷۰، یا به خاطر تعارف و تشویق، از آفت اغراق در امان نمانده و جایگاه شاعر را در رباعی امروز بیش از آنچه هست، باز نمایانده است. با این حال، کتاب سپهزاد، ظرفیت قالب رباعی را بیش از پیش به جامعه ادبی نشان داد.

با وجود حضور نسبتاً پُررنگ نسل قدیم زنان شاعر در عرصه رباعی دهه ۷۰، اقبال نسل جدید به رباعی یک دهه به طور انجامید و آغازگر آن نیز یک شاعر قدیمی دیگر بود: هوروش نوابی (۱۳۲۸ ش) مجموعه رباعی در تُنگ بلور را در سال ۱۳۸۸ منتشر کرد. این مجموعه با ۱۰۰ رباعی، نمودار گرایش شاعر به مضامین عاشقانه با رنگ و بوی عرفانی است. در مقدمه کتاب آمده که «ایشان تا کنون بیش از هزار رباعی در کارنامه دارند» (ص ۹). با این حال، دفتر حاضر نخستین و تنها مجموعه رباعی است که از نوابی منتشر شده است.

مریم حقیقت (۱۳۵۸ ش) با مجموعه تا دست به واژه می‌زنم می‌سوزد (تهران، ۱۳۸۹)، با ۱۰۲ رباعی به میدان آمد. عشق، درون مایه اصلی این اشعار است، عشقی پذیرنده و فروتن: خوشبخت‌ترین زن جهانم با تو (ص ۵۷)، هر وقت دلم خواست، کنارم هستی (ص ۵۸)، تو خالق چشم‌های غمگین منی (ص ۴۴)، من مادر چشم‌های زیبای توام (ص ۳۶)، من کوه غرور و زن دلخواه توام (ص ۳۵)، و به ندرت به چنین تصویری در آن مواجه می‌شویم: بی تو نه غریبم، نه پُر از تنهایی... (ص ۵۳) که بیشتر طعم و اسوخت دارد. بخشی از اشعار این مجموعه را نیز رباعیات آیینی تشکیل می‌دهد: دنیا شب تاریک ستم‌ها شده است / این جمعه طلوع می کنی آقاجان؟ (ص ۳۲)، لب تشنه عباس نشسته است فرات (ص ۲۰)، آسوده‌تر از همیشه خوابید اصغر (ص ۵۲).

تقریباً همین ویژگی‌ها را در رباعیات عارفه دهقانی (۱۳۶۸ ش) هم می‌توانیم مشاهده کنیم: آخر شخص مفرد (تهران، ۱۳۸۹). نام این کتاب، توصیفی از امام زمان (عج) است و آشکار کننده بخشی از محتویات این مجموعه با ۱۵۰ رباعی است. زبان دهقانی به نسبت مریم حقیقت، از تحرک و تنوع بیشتری برخوردار است و به اصطلاحات روزمره تمایل بیشتری دارد: دوزاری دل کج است، عاشق نشده (ص ۳۶)، از ثانیه‌ای که رفته‌ای، چشمان / ابری است شبیه جنس دمپایی تو! (ص ۲۲)، این رشته سر دراز دارد آقا (ص ۶۲)، دل دل نکن ای صبح من، امشب برگرد (ص ۷۴).

شریعت رسولی (۱۳۵۸ ش)، در اواخر دهه ۸۰، رباعیات و دوبیتی‌هایش را در دو مجموعه منتشر کرد: برای اطلسی‌ها نامه بنویس (شیراز، ۱۳۸۸)، از دامن من ستاره آویزان است (مشهد، ۱۳۸۹). رسولی نیز همچون شاعران قبلی، دل در گرو عشق دارد و احساسِ خودرا با اصطلاحات روزمره بیان می‌کند: اصلاً به شما چه؟ (۱۳۸۸، ص ۶۱)، ماست مالی شدن (همان، ص ۶۳)، اشکال ندارد، دل ما را بشکن (همان، ص ۷۰)؛ گور پدر عشق، بچه گیر آوردی (۱۳۸۹، ص ۲۶)، ای عشق! چرا دوباره جوش آوردی؟ (همان، ص ۲۳)، آش نخورده، دهن سوخته (همان، ص ۱۷).

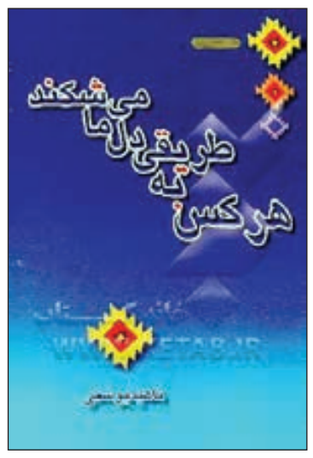

گزارش

نشان پایتخت فرهنگی جهان اسلام به دکتر پاپلی یزدی اهدا شد

عصر روز جمعه در آیین نقد کتاب «شازده حمام» از دکتر پاپلی یزدی، سید سعید سرابی، مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی نشان پایتخت فرهنگی جهان اسلام را به این نویسنده اهدا کرد.

در این مراسم که با استقبال کم‌نظیری همراه بود نشستی با حضور دکتر محمد جعفر یاحقی، دکتر سید حسین فاطمی و دکتر علیرضا قیامتی از دانشگاه فردوسی، دکتر محمد تقی منشی توسی از دانشگاه آزاد اسلامی و دکتر ابوالفضل حسن آبادی، رئیس مرکز اسناد آستان قدس رضوی در نقد و بررسی کتاب «شازده حمام» برگزار شد.

از مهم‌ترین نکاتی که در این نشست در باره این کتاب گفته شد این بود که «شازده حمام» که نوعی خاطره نویسی است از علاقه‌های شخصی دکتر پاپلی ناشی شده است.

همچنین قلمی شیوا و روان و بدون تکلف، ایجاد اتحاد و همدلی و گفت و گوی بین مذاهب و ادیان، صراحت و شفافیت، تیز بینی و ریز بینی، داشتن دغدغه مخاطب عام، جذابیت طبیعی و قلمی توام با طنز از دیگر امتیازات این کتاب برشمرده شد. در ادامه دکتر پاپلی یزدی در سخنانی با اشاره به چگونگی و دلایل نوشتن این کتاب از ایراداتی که ممیزان برای چاپ بعدی گرفته‌اند انتقاد کرد و آن را «عملکرد سلیقه‌ای ممیزان» دانست و گفت: با وجودی که این کتاب بیش از ۲۰ و چند بار منتشر شده است در چاپ جدید ایراداتی بر آن وارد کرده‌اند. این استاد دانشگاه با خوانش بخش‌هایی که بر آن ایراد گرفته شده است از حاضران خواست داوری کنند. ادامه برنامه با سخنان کوتاه دکتر سید سعید سرابی بود که استاد پاپلی را از سرمایه‌های فکری کشور، یزد و مشهد دانست و گفت: اگر مشهد به پایتخت فرهنگی بودن خود می‌بالد بخشی از آن به دلیل وجود بزرگان عرصه علم و فرهنگ و ادب این شهر است. در پایان برنامه که به همت بنیاد فرهنگ و تمدن کاوشگران میراث شرق برگزار شده بود، دکتر مروج‌الشریعه، معاون استانداری خراسان رضوی در سخنانی به مقوله اقتصاد مقاومتی پرداخت و از تاثیر بنیادهای خیریه در توانمند سازی جامعه به ویژه زنان سرپرست خانوار سخن گفت.

موسیقی

بوی سیب را برای شهدا خوانده‌ام

خواننده آلبوم "خاطرات گمشده" گفت: درباره تولید فصل جدید برنامه شب کوک موضوع امیدوار کننده‌ای نشنیدم و سرنوشت این برنامه به صورت قطعی مشخص نیست. فریدون آسرایی خواننده موسیقی پاپ در گفت‌وگو با خبرگزاری میزان گفت: در آخرین صحبتی که با تهیه کننده برنامه "شب کوک" داشتم، درباره تولید فصل جدید این برنامه موضوع امیدوار کننده‌ای نشنیدم و سرنوشت این برنامه به صورت قطعی مشخص نیست. وی ادامه داد: تصور می کنم وضعیت تولید برنامه‌های مربوط به آثار نمایشی از جمله برنامه‌های سینمایی بهتر از وضعیت تولید برنامه‌های ویژه موسیقی است.

خواننده آلبوم "عشق یعنی" تصریح کرد: در شرایط کنونی خواننده‌های بسیاری را داریم که آثاری را ویژه شهدا می خوانند همان گونه که من قطعه "بوی سیب" را برای تمامی شهدای دفاع مقدس و فداکار کشورم خوانده‌ام، از این رو تصور می کنم بهتر است در زمینه تولید برنامه‌های موسیقایی نگاه وسیع‌تری صورت بگیرد و از ظرفیت‌ها و توانایی‌های هنرمندان این عرصه بهره گرفته شود. وی در ادامه صحبت‌های خود اظهار کرد: موسیقی پاپ ظرفیت‌های بسیاری دارد و امکان استفاده از آن در زمینه‌های مختلف وجود دارد. "شب کوک" یکی از پربیننده‌ترین برنامه‌های تلویزیون بود و زمینه‌ای مناسب را برای بروز استعدادهای جوان در عرصه موسیقی فراهم کرد. آسرایی یادآور شد: معرفی جوانان خلاق و با استعداد در عرصه موسیقی به ویژه موسیقی پاپ در برنامه "شب کوک" اتفاقی در خور توجه بود که مدتی است با تولید نشدن این برنامه، شاهد ادامه این روند نیستیم.

رضا صادقی «یعنی درد» را به رامسر برد

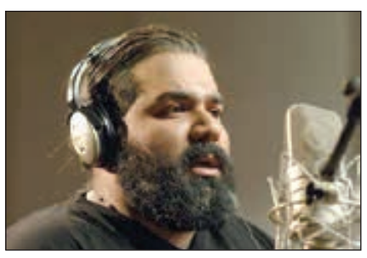

رضا صادقی در کنسرت خود در رامسر، با اجرای آثاری مانند "یعنی درد" و "مشکی رنگ عشقه" روی صحنه رفت.

به گزارش میزان، رضا صادقی در جدیدترین تجربه اجرای صحنه ای خود با مخاطبانش در رامسر دیدار کرد و مجموعه‌ای از عاشقانه هایش را برای آن‌ها خواند. صادقی در این کنسرت آثاری را از آلبوم جدید خود با عنوان "یعنی درد" اجرا کرد. آلبوم "یعنی درد" از ۱۲ قطعه به نام های حال بارون، یعنی درد، همه اون روزا، من و یادت، معصومانه، دل دلا، یه چیزی کمه، آروم برو، همه چی خوبه، اولین بارون، من دوست دارم و دیگه تموم شد تشکیل شده است.

صادقی تلاش کرده در آلبوم جدیدش به مشکلات اجتماعی و همچنین مسائل سرزمینش بپردازد و جدیدترین اثر موسیقایی خود را با چنین رویکردی تولید کرده است.

خواننده آلبوم "همین" در کنسرت تابستانی خود ضمن اجرای آثاری از آلبوم جدیدش، مجموعه‌ای از قطعه های پرطرفدار و خاطره انگیزش را روی صحنه برد که از جمله آن ها می توان به "مشکی رنگ عشقه"، "وایسا دنیا" و "دوستت دارم خدا" اشاره کرد.

رضا صادقی به تازگی قطعه "تو که حساسی" را به صورت دوصدایی با بابک جهانبخش منتشر کرده که با استقبال طرفداران این خواننده مشکی پوش و همچنین طرفداران بابک جهانبخش همراه شد. رضا صادقی ۲۷ مرداد ساعت ۲۱:۳۰ در سالن تله کابین شهر رامسر روی صحنه رفت.

گزارش

شعرخوانی به یاد شهید محسن حججی در شب شعر «از سر گذشت»

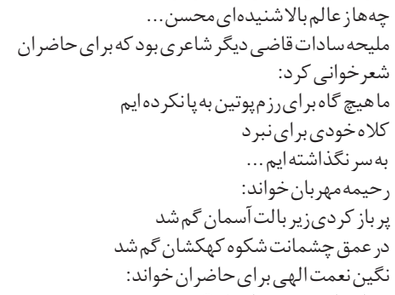

شب شعر «از سر گذشت» ویژه پاسداشت شهید محسن حججی با حضور بانوان شعر «آفتاب گردان‌ها» برگزار شد. به گزارش فارس، بوی عود در هوای ناب معراج‌الشهدای تهران پیچیده بود و دختران شاعر آفتاب گردانی قرار بود سومین شب از اردوی آموزشی خود را در جوار شهدای گمنام و در شب شعرِ «از سر گذشت» که مزین به نام شهید محسن حججی بود، سپری کنند. چشم‌ها به تلاطم افتاده بود و قطره قطره اشک جاری می‌شد.

فضه سادات حسینی مجری شب شعر «از سر گذشت» برنامه را با شعر «همین از سر گذشتن سر گذشت ماست پنداری / همین سرها... همین سرهای سرگردان صحراها» از محمدمهدی سیار شروع کرد و شاعران زیادی که در همین فرصت کم چند روزه برای شهید محسن حججی شعر سروده بودند یک به یک برای خوانش شعر خود حاضر شدند.

ملیحه رجایی در بخشی از این مراسم شعری خواند:
چقدر مطمئن و باصلابت و آرام
بگوبه بی خبران چه دیده‌ای محسن
بگو که در دل این سرخی غبار آلود
چه‌ها ز عالم بالا شنیده‌ای محسن...

ملیحه سادات قاضی دیگر شاعری بود که برای حاضران شعرخوانی کرد:
ما هیچ گاه برای رزم پوتین به پا نکرده ایم
کلاه خودی برای نبرد
به سر نگذاشته ایم...

رحیمه مهربان خواند:
پر باز کردی زیر بالت آسمان گم شد
در عمق چشمانت شکوه کهکشان گم شد

نگین نعمت الهی برای حاضران خواند:
دوباره بارون و چشمای شرقیت
زمین گیر کرده ابرا رو نگاهت
تو دل بستی به عطر مهربونی
منم دل بسته لبخند ماهت

شیوا فضلعلی خواند:
هر کسی از عشق دارد بی گمان برداشتی
تو ولی آن را جنون آمیز باور داشتی

ربابه جعفری از دیگر بانوان شاعر در این مراسم بود که شعر خواند:
کوچه‌ها مان پر از سیاهی بود
شهر را از عزا در آوردند
چشم‌های ستاره‌ها خندید
ماه را اسمت دیگر آوردند

آرزو سبزوار قهفرخی خواند:
مه و گرد و غباری بسته راه هر گذرها را
پریشان کرده باد و بر گریزان رفتگرها را

و در آخر فضه سادات حسینی، برنامه را با شعر «دجال‌ها و حرمله‌ها را مهاجم و / ما را مدافعان حرم آفریده‌اند» از سجاد شاکری به پایان رساند و آفتاب گردانی‌ها با همان حال خوش معنوی با پیکر مطهر شهدا وداع کردند و دل هایشان را در کنار آن تابوت‌های پر از نور جا گذاشتند.»

معرفی کتاب

قصه‌های قشنگ ایرانی؛ گلچین برترین قصه‌ها از ۳۰ کتاب کهن

برای نخستین بار جلد اول مجموعه دو جلدی «قصه‌های قشنگ ایرانی» در قالب کتاب‌های پروانه برای گروه سنی نوجوانان منتشر و روانه بازار شد.

به گزارش روابط عمومی انتشارات آستان قدس رضوی، تاریخ باشکوه کشور ایران دارای کتاب‌هایی پر از حکایت و قصه‌های زیبا و شنیدنی است که تعدادی از این قصه‌ها از ۳۰ کتاب مهم و معروف را «مجید ملامحمدی» در کتاب «قصه‌های قشنگ ایرانی» بازآفرینی و به نثر (انتشارات آستان قدس رضوی) منتشر کرده است. ملامحمدی نویسنده در جلد اول این اثر به بازآفرینی قصه‌هایی زیبا و جذاب می‌پردازد که برگرفته از برخی کتاب‌های کهن ایرانی از قبیل قابوسنامه، جوامع‌الحکایات و لوامع‌الروایات، بوستان سعدی، خُلد برین، کلیله و دمنه، دیوان سنایی، اسکندرنامه نظامی، بهارستان جامی، عبید زاکانی، فیه ما فیه، دیوان عطار، انوار سهیلی، سیاست‌نامه و هفت اورنگ هستند.

علاوه بر این، نویسنده در پایان هر داستان کوتاه، معرفی مختصری از کتاب مرجع آن داستان ارائه می کند و به این ترتیب، زمینه آشنایی مخاطبان با این کتاب‌های کهن نیز فراهم می‌شود. قصه مرد و نامرد، پاداشی که خدا به یک درویش داد، حاتم طایی و پهلوان جوان، الاغ بینوا، مرد خارفروش و کوزه پر از طلا، مرواریدهای درخشان، دزدها در پشت بام، فیل‌ها در چشمه ماه، آشپز دانای انوشیروان، درویشی که پادشاه شد، دانشمند و امیر، پزشک مدینه، شاعر پابرهنه، شتر گمشده، غول تنها و پیرمرد دانا، موش ارباب و گرگ خدمتکار و... عناوین برخی از داستان‌های این کتاب ۱۷۲ صفحه‌ای است. جلد اول کتاب «قصه‌های قشنگ ایرانی» در قطع وزیری کوتاه و با شمارگان ۱۰۰۰ نسخه منتشر شده و به قیمت ۱۴۰ هزار ریال در دسترس مخاطبان قرار گرفته است.